

Analyzing the Subject of the Water Crisis Among Iran, Turkey and Iraq from the Neorealism Perspective (2000-2023)

Hadi Amouei PhD student, International Relations Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: hadiamouei@yahoo.com

Arsalan Ghorbani Sheikhneshin *Corresponding Author*, Professor of the Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: arsalangh@yahoo.com

Didoukht Sadeghi Haghghi Assistant Professor, Department of International Relations, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.. E-mail: did.sadeghi_haqiqi@iauctb.ac.ir

MohammadAli Khosravi Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran E-mail: moh.khosravi@iauctb.ac.ir

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Neorealism,
Hydropolitics,
Common Water Basin,
Water Crisis
Environmental-
Challenges.

ABSTRACT

Access to water resources is necessary to preserve the ecosystem, biodiversity, food security and sustainable development., everyone will start doing water supply projects for themselves. Therefore, the water crisis leads to economic, social and security problems. The current research raises this question: "How can we analyze the impact of the water crisis on the relations between Iran, Turkey and Iraq in the years 2000-2023?". It is hypothesized that "Regardless of the downstream countries, Turkey is trying to make these countries depend on its policies in this field through hydro-hegemony and controlling the upstream water resources". On the other hand, Iran and Iraq will also try to manage the effects of the water crisis by cooperating and forming a balancing action. This research uses the Neorealism approach because, from this point of view, the relationships of research variables can be better analyzed. The current research uses a descriptive-analytical method and the research data has been provided by referring to library and internet sources and specialized publications. The findings of the research show that Turkey has become a hegemonic actor in the common basin with its water policies and has faced Iraq and Iran with serious environmental and security issues.

Cite this Article: Amouei, H. , Ghorbani Sheikhneshin, A. , Sadeghi Haghghi, D. , & Khosravi, M. (2024). Analyzing the Subject of the Water Crisis Among Iran, Turkey and Iraq from the Neorealism Perspective (2000-2023). *International Relations Researches*, 14(3), 151-177. doi: 10.22034/irr.2024.430915.2479



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.430915.2479



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تأثیر بحران آب بر روابط ایران، ترکیه و عراق از منظر نواقع گرای (۲۰۲۳-۲۰۰۰)

هادی عمویی دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
رایانامه: hadiamouei@yahoo.com

ارسلان قربانی شیخ‌نشین نویسنده مسئول، استاد گروه روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
رایانامه: arsalangh@yahoo.com

دیدخت صادقی حقیقی استادیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانامه: did.sadeghi_haqiqi@iauctb.ac.ir

محمدعلی خسروی استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانامه: moh.khosravi@iauctb.ac.ir

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	دسترسی به منابع آب، جهت حفظ اکوسیستم، تنوع زیستی، امنیت غذایی و توسعه پایدار، ضروری است. بنابراین با بحران آب، رقابت میان دولت‌ها پدید می‌آید و باعث ایجاد معضل امنیتی می‌شود و از آنجایی که کسی نمی‌تواند مطمئن باشد که دیگران از منابع آب به روشی پایدار استفاده خواهند کرد، همه شروع به انجام پروژه‌های تأمین آب برای خود خواهند کرد. بدین ترتیب، بحران آب منجر به واکنش‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی می‌شود. پرسشی که پژوهش حاضر طرح می‌کند این است «چگونه می‌توان تأثیر بحران آب بر مناسبات ایران، ترکیه و عراق در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۰۰ را تحلیل کرد؟» و این فرضیه طرح می‌شود که «ترکیه بدون توجه به کشورهای پایین‌دست، تلاش دارد تا از طریق نوعی هیدروژمونی و با کنترل منابع آبی بالادست، بتواند این کشورها را به سیاست‌های خود در این زمینه وابسته نماید. در مقابل، ایران و عراق نیز تلاش خواهند کرد تا با همکاری و شکل دادن به نوعی موازنه، لئارناشی از بحران آب را مدیریت نمایند». این پژوهش از رویکرد نواقع‌گرایی بهره می‌گیرد زیرا از این منظر، روابط متغیرهای پژوهش را بهتر می‌توان تحلیل کرد. پژوهش حاضر از روشی توصیفی-تحلیلی بهره می‌گیرد و با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و نشریات تخصصی، داده‌های پژوهش فراهم آمده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه با سیاست‌های آبی خود، به یک بازیگر هژمون در حوضه آبی مشترک تبدیل شده است و عراق و ایران را با چالش‌هایی جدی در مسائل زیست‌محیطی-امنیتی مواجه کرده است.
کلیدواژه‌ها: نواقع‌گرایی، هیدروپلیتیک، حوضه آبی مشترک، بحران آب، چالش‌های زیست‌محیطی.	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۷	

استناد به این مقاله: عمویی، هادی، قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، صادقی حقیقی، دیدخت، & خسروی، محمدعلی. (۱۴۰۳). تأثیر بحران آب بر روابط ایران، ترکیه و عراق از منظر نواقع‌گرایی (۲۰۲۳-۲۰۰۰). پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴(۳)، ۱۷۵-۱۷۷. doi: 10.22034/irr.2024.430915.2479
© نویسنده(گان)

افزایش تقاضای آب به دلیل توسعه در بخش کشاورزی، افزایش جمعیت و همچنین تغییرات اقلیمی جهانی و منطقه‌ای، دولت‌ها را وادار می‌سازد تا از منابع آبی موجود، حداکثر بهره‌برداری را داشته باشند و بدون توجه به اثرات منفی بر منافع امنیتی و زیست‌محیطی کشورهای پایین‌دست، اقدام به کنترل منابع آبی مشترک نمایند. این مسأله موجب ایجاد تنش میان دولت‌ها شده و می‌تواند باعث شکل‌گیری منازعه و جنگ میان کشورهای یک حوضه مشترک آبی شود. با این وصف، مطالعه دو حوضه مشترک میان ترکیه، عراق و ایران یعنی حوضه دجله-فرات و حوضه ارس-کورا، اهمیت می‌یابد. حوضه آبی مشترکی که در طی ۳ دهه اخیر، تحت تأثیر سدسازی‌های بالادست قرار داشته است. در «زیرحوضه فرات» در مجموع ۱۳ سد بزرگ بر روی این رودخانه در ترکیه، سوریه و عراق احداث شده و یا در حال ساخت است. در «زیرحوضه دجله» نیز از دهه ۱۹۳۰ تاکنون، سدهای متعددی بر روی سرشاخه‌های آن احداث شده یا در حال ساخت است. همچنین پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، ترکیه در قالب «پروژه گاپ» برنامه احداث ۸ سد را در دنبال کرده است و با پایان یافتن پروژه گاپ، ترکیه یک سوم آب ورودی به دجله را تحت کنترل خود در آورده است. «پروژه داپ» نیز بر روی حوضه ارس در حال نهایی شدن است که همچون دیگر پروژه‌های کنترل منابع آبی در ترکیه، کشورهای پایین‌دست را (همچون ایران) متأثر می‌سازد. با توجه به اهمیت این موضوع و از آنجا که ایران کشوری است با موقعیت جغرافیایی خشک و نیمه‌خشک که با بحران آب (چه در سطح داخلی و چه در سطح حوضه‌های آبریز مشترک و مرزی خود با همسایگان) مواجه می‌باشد، ضروری است که پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شود. بنابراین بررسی و پرداختن به تأثیرپذیری سرزمین ایران از بهره‌برداری بی‌رویه و کنترل منابع آبی مشترک در بالادست توسط ترکیه و عراق، از منظر سیاسی-امنیتی و زیست‌محیطی، اهمیت دارد. با این وصف، پژوهش حاضر تلاش دارد تا به این پرسش بپردازد که «چگونه می‌توان تأثیر بحران آب بر مناسبات ایران، ترکیه و عراق در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۰۰ را تحلیل کرد؟» و این فرضیه طرح می‌شود که «ترکیه بدون توجه به کشورهای پایین‌دست، تلاش دارد تا از طریق نوعی هیدروهمژمونی و با کنترل منابع آبی بالادست، بتواند رفتار این کشورها را به سیاست‌های خود در این زمینه وابسته نماید. از طرف دیگر ایران و عراق در تلاش هستند تا با همکاری و شکل‌دادن به «موازنه تهدید» در برابر ترکیه، بحران آب و آثار ناشی از آن را کنترل و مدیریت نمایند. فرضیه رقیب نیز این است که همگرایی و همکاری در حوضه آبی مشترک میان ایران، ترکیه و عراق امکان‌پذیر می‌باشد و منافع جمعی این دولت‌ها نسبت به



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



آب به عنوان یک مفهوم و رویکرد عملی، نمونه‌ای از موضوعات آینده سیاست خارجی است، که در آن استفاده و بهره‌برداری از آب‌های مشترک اهمیت فزاینده‌ای دارد.

عبدالهادی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر هیدروپلیتیک بر رابطه بین ترکیه و عراق از سال ۱۹۸۰»، به این پرسش می‌پردازد که آیا کمبود آب در کشوری مانند عراق، این کشور را به تنش و درگیری بیشتر با ترکیه می‌کشاند و آیا این اختلاف بین آنها می‌تواند منجر به جنگ شود یا می‌تواند از طریق توافق رضایت‌بخش، به اختلاف رسیدگی کنند؟ این پژوهش تلاش دارد تا در سه بخش به موضوع بپردازد. نخست به تبیین دیدگاه حقوقی حوزه رودخانه‌های غیر قابل کشتیرانی به طور کلی و سپس توافقنامه‌ای که رابطه عراق و ترکیه را در رابطه با آب تعیین می‌کند، می‌پردازد. سپس ابعاد و اختلافات آبی برای هر دو طرف مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، به راه‌های حل و فصل این اختلافات و مثبت بودن همکاری‌ها می‌پردازد.

اسدالهی و ذکی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تأثیر آن بر امنیت زیست‌محیطی عراق و سوریه»، در پی پاسخ به این سؤال هستند که: هیدروپلیتیک پروژه گاپ چه تأثیری بر امنیت زیست‌محیطی عراق و سوریه داشته است و اهداف ترکیه از اجرای این طرح چیست. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اجرای مرحله‌ای پروژه گاپ در طی چند دهه اخیر پیامدهای زیست‌محیطی بسیاری از جمله آلودگی آب، از بین رفتن گونه‌های کمیاب زیستی جانوری و گیاهی، افزایش بیابانزایی، شور شدن خاک، خشکی باتلاق‌ها و حوضچه‌ها و تولید ریزگردها در عراق و سوریه شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نتایج مطالعات فوق‌الذکر و سایر پژوهش‌ها، تلاش دارد تا از منظری متفاوت و بر مبنای نواقع‌گرایی، تعارضات سیاست‌های آبی اجرا شده در حوضه مشترک میان ایران، ترکیه و عراق و بحران‌های ناشی از آن را تحلیل نماید و در این زمینه نوآوری داشته باشد. بدین منظور از روشی توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود و با رجوع و استناد به منابع کتابخانه‌ای، مقالات و نشریات تخصصی و همچنین منابع اینترنتی و روزنامه‌ها و سایر منابع، اطلاعات پژوهشی فراهم آمده است.

۲. چارچوب نظری نواقع‌گرایی: چرایی انتخاب و قدرت تبیین آن در تحلیل بحران آب

از لحاظ تاریخی، بازتاب مسائل آب و مناسبات آن در پارادایم واقع‌گرایی از دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰ و با ظهور مطالعات «هیدروپلیتیک»، نمود پیدا کرده است (Julien, 2012: 46). به طور کلی، تحلیل‌های نظری



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



17-16). با توصیفات فوق، علت انتخاب رویکرد نواقع‌گرایی این بوده است که چون مسأله بحران آب، پتانسیل بسیار زیادی برای درگیری بر سر دسترسی به منابع آبی دارد، بنابراین می‌تواند باعث منازعه بین مناطق و گروه‌های داخلی دولت‌ها و در موارد شدیدتر میان دولت‌ها گردد. بر این اساس، در مواردی که درگیری بین دولت‌ها بر سر منابعی مانند آب رخ می‌دهد، رویکرد واقع‌گرایانه است که می‌تواند توضیح مفیدی از چرایی وقوع درگیری‌ها و چگونگی اجتناب از آنها ارائه دهد.

۱-۲. منازعات یا همکاری در مسأله بحران آب

گفته می‌شود که شکل‌گیری منازعه یا همکاری میان دولت‌ها در حوضه‌های مشترک آبی (مرزی یا فرامرزی)، در بستر نظریه‌های روابط بین‌الملل، بهتر قابل فهم می‌باشد. این نظریه‌ها بر مبنای تصویر بزرگتری که پیش می‌نهند، می‌توانند استدلال‌هایی برای اینکه چرا دولت‌ها ممکن است در برخی موارد همکاری کنند و در مواردی دیگر به منازعه پردازند، ارائه نمایند. رویکرد نواقع‌گرایی، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رهیافت‌های فکری در روابط بین‌الملل، به طور ویژه برای تحلیل منازعه و همکاری دولت‌ها بر سر حوضه‌های آبی مشترک مورد اشاره قرار می‌گیرد. نواقع‌گرایان استدلال می‌کنند که دلایلی همچون: «نگرانی‌های امنیتی»، «ترجیح دولت‌ها برای کاهش وابستگی متقابل»، «برداشت از همکاری به عنوان بازی با حاصل جمع صفر یا نهایتاً حصول دستاوردهای نسبی»، مانع از همکاری دولت‌ها بر سر مسأله آب می‌شود؛ حتی هنگامی که همکاری اتفاق می‌افتد دولت‌های قدرتمند حوضه، نقش مهمتری در ایجاد قوانین و توافقات ایفا می‌کنند تا منافع بیشتری را بدست آورند (Mirumachi, 2015: 27).

بدین ترتیب، کمبود آب و دسترسی اندک به منابع آبی اگر با وابستگی متقابل به رودخانه‌ها یا منابع آبی مشترک با یک کشور دیگر ترکیب شود، طرفین را در موقعیتی بسیار مخاطره‌آمیز و بالقوه ناپایدار قرار می‌دهد. از منظر نواقع‌گرایی، وابستگی متقابل نه تنها حساسیت‌های بین کشورها را برجسته می‌کند، بلکه آسیب‌پذیری‌های متقابل آنها را نیز نشان می‌دهد. این امر باعث می‌شود که همکاری دشوارتر و تنش‌ها بیشتر شود، زیرا دولت‌ها همواره تلاش دارند وابستگی خود را به سایر کشورها کاهش دهند. بنابراین همکاری به دلایل مذکور بسیار دشوار است و ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل، دولت‌ها را مجبور می‌سازد که صرفاً به بقای خود اهمیت دهند. از آنجا که هیچ قدرت مرکزی یا دولت جهانی وجود ندارد، دولت‌ها بر مبنای اصل «خودیاری»، در کنار سایر بازیگران نظام بین‌الملل هم‌زیستی می‌کنند. به عقیده نواقع‌گرایان، دولت‌ها علاوه بر نگرانی‌هایشان در مورد بقا، به دستاوردهای دولت‌های دیگر، نسبت به دستاوردهای خود، نیز حساس هستند. همکاری میان دولت‌ها ممکن است وضعیتی را ایجاد کند که در



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



هیدروپلیتیک و توسط «زیتون و وارنر» در سال ۲۰۰۶ مطرح گردید و بر موضوع نقش و جایگاه آب در برقراری وضعیت برتری یک بازیگر نسبت به سایرین معطوف شده است و با توجه به ویژگی‌های یک حوضه آبی مشترک، به بررسی مناسبات کشور هیدروهمژمون به عنوان کنترل‌کننده نحوه بهره‌برداری از منابع آبی مشترک (در برابر سایر شرکا و منتفعین) می‌پردازد، بگونه‌ای که طی آن، رابطه میان کنترل منابع آبی با مفهوم «قدرت» به عنوان عامل کلیدی در معادلات بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. در این چارچوب، کشور همژمون در تلاش است با تعیین میزان، زمان و چگونگی استفاده دیگران از منابع مشترک آبی، برتری طلبی خود را اعمال و بر سایر حوزه‌ها تسری دهد؛ بدین معنا که رفتار کشورهای پایین‌دست در یک حوضه آبی مشترک را به نتایج سیاست‌های کشور بالادست، وابسته نماید. به طور کلی، مفهوم «هیدروهمژمونی» برای واکاوی نحوه مناسبات آبی کشورهای حوضه آبریز مشترک، طرح شد و بر مبنای این مفهوم بیان می‌شود که چگونه همکاری یا منازعه بر سر منابع آبی، مطابق ترجیحات کشور هیدروهمژمون ایجاد می‌شود (Zeitoun and Warner, 2006: 440- 448). زیتون و وارنر، برای تحلیل وضعیت هیدروهمژمونی، سه مؤلفه در نظر می‌گیرند که عبارت است از:

- **قدرت:** مفهوم هیدروهمژمونی توضیح می‌دهد که چگونه سازمان‌ها، نهادها، معاهدات و تعاملات میان دولت‌ها، تحت تأثیر «قدرت» قرار می‌گیرند. این مفهوم نشان می‌دهد که «قدرت»، به جای اصول کلی حقوق بین‌الملل، موقعیت جغرافیایی، یا حتی دسترسی به منابع آب، چگونه نتایج تعاملات دولت‌ها را توضیح می‌دهد؛ زیرا «دولت‌های قدرتمند» به منابع راهبردهای اعمال قدرت، دسترسی بیشتری دارند (Hayat and others, 2022: 1728).
- **موقعیت جغرافیایی:** کشورهای بالادست می‌توانند جریان آب را به طرق مختلف تغییر دهند و بر کشورهای پایین‌دست اثر بگذارند؛ به عنوان مثال با ایجاد سد، امکان انحراف آب یا آلوده‌سازی آب جاری به سمت پایین‌دست وجود دارد.
- **ظرفیت بهره‌برداری:** کشور بالادست اگر توانایی، امکانات و ابزار لازم برای کنترل منابع آبی داشته باشد، موقعیت هیدروهمژمون خود را تثبیت می‌نماید. بدین ترتیب، اگر کشوری از توانایی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بسیار بالاتری نسبت به کشورهای پایین‌دست برخوردار باشد، ظرفیت بیشتری در این کنترل و استفاده از منابع دارد (قریشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۸).



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



هزار رودخانه بزرگ و کوچک دارد که ۸۹ رودخانه، جزء رودخانه‌های مرزی هستند. در دسته‌بندی رودخانه‌های مرزی، ۱۷ رودخانه مشترک با کشورهای همجوار، ۶۸ رودخانه خروجی و ۴ رودخانه نیز ورودی هستند (نامی، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۵۰). رودخانه‌های ورودی عبارتند از ارس و اترک در شمال ایران که از ترکیه و ترکمنستان سرچشمه می‌گیرند و رودخانه‌های هریرود و هیرمند که از افغانستان سرچشمه می‌گیرند. در مقابل، رودخانه‌های خروجی از کشور را می‌توان در ۹ دسته تقسیم کرد. ۱۴ رودخانه به دریای خزر می‌ریزند، ۶ رودخانه در شمال غرب به رود ارس می‌ریزند، ۹ رودخانه دیگر در شمال غربی و شرقی کشور سالیانه حدود ۶۰۰ میلیون مترمکعب آب را از کشور خارج می‌کنند، ۳ رودخانه در خراسان رضوی به هریرود می‌ریزند، رودخانه‌های لار، پیران و روتک نیز سالیانه حدود ۵۰ میلیون متر مکعب آب را از ایران به پاکستان جاری می‌کنند، ۱۲ رودخانه هم به خلیج فارس و هورالعظیم جاری می‌شوند؛ رودخانه‌های باهوکلات، میناب و کاجو نیز به دریای عمان می‌ریزند و در نهایت ۱۸ رودخانه از غرب کشور بیش از ۷ میلیارد مترمکعب آب را از ایران خارج کرده و به عراق می‌ریزند. به طور کلی ۱۰ استان مرزی ایران دارای رودخانه مشترک با کشورهای همسایه هستند (نیرومندفرد و شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۴۱-۲۳۹).

۳-۲. هیدروگرافی ترکیه

ترکیه دارای آب و هوای نیمه‌گرمسیری و نیمه‌خشک است و میانگین بارش سالانه در ترکیه ۶۴۳ میلی‌متر می‌باشد. به دلیل تنوع در توپوگرافی، این کشور در نقاط مختلف اقلیم متنوع دارد. متوسط سالانه رواناب در این کشور تقریباً ۱۲۶ میلیارد مترمکعب است که ترکیه مدعی است که تنها از ۴۵ میلیارد مترمکعب آن استفاده می‌کند. این کشور دارای ۲۵ حوضه آبریز بزرگ است که مهمترین حوضه مشترک این کشور با عراق و ایران شامل دو مورد اصلی می‌شود:

حوضه آبریز دجله و فرات

حوضه رودخانه‌های دجله و فرات بین شش کشور ترکیه، سوریه، عراق، ایران، عربستان و اردن مشترک هستند. دجله و فرات در منطقه‌ای بین دو اقلیم مرطوب و بیابانی قرار دارند و میزان جریان آب در این دو رودخانه در فصول مختلف دارای نوسانات بسیاری است. مساحت حوضه آبریز فرات ۲۸ درصد در ترکیه، ۴۷ درصد آن در عراق، ۲۲ درصد در سوریه و بخش دیگری از آن در کشورهای عربستان و اردن قرار دارد. مساحت حوضه دجله نیز حدود ۲۵ درصد در ترکیه و ۱۹ درصد در ایران ۵۶ درصد در عراق و ۴ درصد در سوریه واقع شده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۲-۳۱۳).



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۴. سیاست‌های تهاجمی ترکیه در حوضه آبی مشترک

آب به منزله کالایی استراتژیک محسوب شده که وجود آن برای دولت‌ها حیاتی است و نبود آن بقای دولت‌ها را تهدید خواهد نمود. بر این اساس، راهبرد ترکیه در پرتو سیاست‌های آبی و طرح‌های بزرگ سدسازی در حوضه آبریز مشترک نشانه رویکرد تهاجمی در جهت هژمون‌گرایی در منطقه باشد، زیرا ترکیه به میزان بسیار زیادی بر منابع آبی بالادست منطقه کنترل دارد و از جمله کشورهایی در منطقه است که «بحران آب» تهدیدی وجودی برای آن به شمار نمی‌رود. اما ترکیه با توجه به بحران آبی آینده در منطقه و اهمیت آب در معادلات مربوط به نظم منطقه‌ای در خاورمیانه می‌کوشد از مؤلفه آب به عنوان یک اهرم در مدیریت نظم منطقه بهره‌برداری کند (حمیدی و مزدخواه، ۱۴۰۱: ۴۴). بنابراین ترکیه تلاش دارد از آب، به عنوان ابزاری سیاسی علیه عراق و ایران (و سوریه) استفاده کند. این مسأله، نشان می‌دهد پروژه‌های «گاپ و داپ»، برنامه‌ریزی ترکیه برای ایجاد کمبود آب در کشورهای پایین‌دست است و باعث محروم کردن آن‌ها از حق آبه‌ای می‌شود که چند هزار سال به آن وابسته بوده‌اند (Salameh and Al-Ansari, 2021: 162-163). بنابراین، سیاست‌های آبی بالادست و تلاش برای هژمون‌شدن، پیامدهایی برای کشورهای پایین‌دست خواهد داشت که به تهدیدات و چالش‌های جدی برای آنها تبدیل شده و تداوم خواهد یافت. در ادامه به مهمترین چالش‌های این بحران اشاره خواهد شد.

۴-۱. تغییر روند طبیعی و تاریخی حوضه آبی مشترک

آن گونه که در تحقیقات و تحلیل «گروه آینده‌نگاری استراتژیک» نشان داده شده است، حوضه آبی مشترک «دجله و فرات» میان ترکیه، عراق و ایران، طی سالیان و به طور مداوم، منابع خود را از دست داده‌اند و در حال تبدیل شدن به انباری از باروت برای کشورهای این حوضه آبی هستند (David and Passarelli, 2015: 147). ترکیه که در ابتدای جریان آب قرار دارد برای خود «حق مطلق برداشت و کنترل» آب‌هایی که سرچشمه‌اش در خاک ترکیه است، قائل می‌باشد و ادعای همسایگان مبنی بر حق اولیه و تاریخی را به طور قاطع رد می‌کند. ترکیه در مورد رودخانه‌های این حوضه، یک نوع «مصرف بهینه» را توصیه می‌کند و معتقد است باید سیستم آبیاری این کشورها اصلاح شود. همچنین ترکیه ادعا می‌کند که احداث سد موجب تنظیم جریان منظم آب به همسایگان می‌شود، مثلاً طی ۱۹۸۹-۱۹۹۱ که نوسان آب زیاد بود و با اینکه جریان آب فرات کمتر از ۵۰ متر مکعب بر ثانیه شده بود ولی ترکیه با رهاسازی آب از پشت سدها، این میزان را به ۵۰۰ متر مکعب بر ثانیه افزایش داد. در مقابل، کشور عراق



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جنوب شرق ترکیه و نیز ایجاد برتری ژئوپلیتیکی برای خود در برابر کشورهای پایین دست، را دنبال کرده است (محرابی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰۲). بر این اساس، انتظار می رود کنترل منابع آبی و سدسازی های ترکیه بر روی دجله و فرات، علاوه بر تأثیرات قابل توجه در کاهش جریان طبیعی این رودها، منجر به شکل گیری معضلات اقتصادی، سیاسی- امنیتی و زیست محیطی در کشورهای عراق و ایران در پایین دست گردد.

۲-۴. کنترل منابع آبی: پروژه های امنیتی در جهت حل چالش گردها

ترکیه پس از تشکیل جمهوری جدید در سال ۱۹۲۴ یکی از دغدغه های خود را کنترل گردها و نهایتاً تغییر ساختار سیاسی در کردستان عراق و به حاشیه راندن و همانندسازی گردهای عراق و سوریه (با فشار بر این دولت ها)، قرار داده است (متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵۹). بنابراین می توان گفت ابعاد امنیتی هیدروپلیتیک ترکیه در کنار ابعاد داخلی، سیاست مهار گردها در مناطق همجوار را نیز در بر می گیرد و بدین جهت، سدسازی ها و کنترل منابع آبی از چند منظر به پروژه امنیتی برای ترکیه تبدیل شده است. نخست: اینکه موجب جابجایی هایی در جمعیت بومیان ساکن در منطقه آبیگری سدها شده است. برای مثال «پروژه گاپ» منجر به جابجایی حدود ۳۵۰ هزار نفر شده است که گردهای منطقه، بیشترین بی جاشدگان را تشکیل می دهند و اگرچه دولت برنامه هایی را برای تضمین گرامت در نظر گرفته است، اما بخش بزرگی از این آوارگان از چنین گرامتی محروم شده اند. جابجایی جمعیت های عمدتاً گُرد منطقه منجر به پراکندگی آنها و تشدید جنگ با گروه های افراطی گُرد همچون پ.ک.ک شده است (Meiger, 2018: 7). این مسأله باعث شده است که پروژه های آبی این منطقه، بخشی از استراتژی امنیت داخلی دولت ترکیه در نظر گرفته شود، زیرا از یک طرف قرار بود گردها را به ترک های مدرن وفادار به دولت ترکیه تبدیل نماید و از سوی دیگر، کنترل و اقتدار دولت را از طریق اقتصاد کشاورزی، آموزش و یارانه های دولتی در این منطقه، تضمین کند (Bilgen, 2018: 1). دوم: اینکه سدهای ساخته شده در پروژه گاپ، به مرور زمان همچون «دیوارهای آبی» و به نوعی ابزاری دفاعی- نظامی تبدیل شده اند، زیرا از آنجایی که این سدسازی ها مناطق وسیعی را در بر می گیرند، مانعی برای حرکت آزادانه و عملیات نظامی گروه های معارضی مانند پ.ک.ک هستند. برای نمونه، سدهای همجوار با مرز ترکیه و عراق، مانع از ورود پ.ک.ک از عراق به ترکیه می شوند. از این رو مقامات ترکیه استدلال می کنند که «به دلیل وجود سدها، تروریست ها دیگر نمی توانند به راحتی از منطقه ای به منطقه دیگر عبور کنند»، بنابراین سدها، به



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



آبیاری در پروژه داپ مطرح شده است. پروژه داپ که بخش عمده‌اش روی حوضه «ارس» و «کورا»^۱ ساخته می‌شود، به طور مستقیم بر ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان تأثیرگذار است. از جمله سدهای بزرگ و در حال احداث در این پروژه، سدهای «کاراکورت، سویلمز، نارین قلعه» می‌باشند (کازمی، ۱۴۰۱: ۴۸). یکی از اهداف اصلی ترکیه از ساخت سد کاراکورت، تولید انرژی برق آبی ذکر شده است. اما پروژه داپ، بر میزان دبی رودخانه ارس و حجم ذخیره آب تأثیر می‌گذارد و مناطق پایین دست یعنی ایران از نظر کشاورزی دچار صدمه می‌گردند و مناطق حاصل خیز شمال غربی کشور ایران با بحران بی‌آبی مواجه می‌شوند (کلانتری و حکمت آرا، ۱۳۹۹: ۹-۱۰). بنابراین انتظار می‌رود همان پیامدهایی که از اجرای گاپ بر کشورهای پایین دست در رودخانه‌های دجله و فرات رقم خورده است، در انتظار کشورهای پایین دست پروژه داپ، به ویژه ایران باشد.

محدوده پروژه گاپ و داپ در حوضه آبی مشترک با ایران و عراق



منبع: (نادری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۰).

در مجموع موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه در بالادست رودخانه‌های دجله و فرات، این کشور را به بهره‌برداری از این وضعیت در بازی‌های استراتژیک خاورمیانه کشانده است. ترکیه بر آن است که همانند رقبای منطقه‌اش یعنی ایران و عربستان که سال‌ها با تکیه بر نفت دست برتر را در معماری نظم منطقه‌ای در خاورمیانه داشته‌اند، این جایگاه را با تکیه بر آب به دست آورد. بنابراین ترکیه در یک دهه گذشته، درگیر رقابتی شدید با جمهوری اسلامی ایران و عربستان برای کسب قدرت و نفوذ بیشتر در خاورمیانه بوده است. بر این اساس، ترکیه در دو دهه پایانی قرن بیستم به دنبال تغییر اساسی در سیاست خود بود تا موقعیت بین‌المللی خود را در دوران حکومت امپراتوری عثمانی بازگرداند. گفته می‌شود که استفاده از

1- Kura



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶۳). همچنین تجزیه و تحلیل کیفیت آب دجله و فرات، نشان می‌دهد که میزان شوری آب این رودخانه‌ها، افزایش یافته و برای آبیاری نامناسب شده است (Adamo and others, 2020: 43). بر این اساس، گفته می‌شود دولت ترکیه با کنترل منابع آبی بالادست، به طور مستقیم باعث بحران و تنش در بخش کشاورزی در عراق (و سوریه) و افزایش روند خشک شدن تالاب هورالعظیم شده است و در کنار دشت بین‌النهرین که رطوبت خود را از دست داده و به منبعی برای تولید گرد و غبار تبدیل شده است. تحقیقات «برنامه آب سازمان ملل» نشان می‌دهد که کشورهای پایین دست، همچنان تا سال‌ها در معرض ریزگردها قرار خواهند داشت و با تشدید بحران تولید ریزگردها، امنیت زیست‌محیطی این مناطق با مخاطره مواجه خواهد شد (فرهادی، ۱۳۹۹: ۱۸۵). همچنین کاهش کیفیت آب رودخانه دجله بر اروندرود تأثیر می‌گذارد، زیرا نفوذ آب شور خلیج فارس به داخل اروندرود را افزایش می‌دهد. این موضوع، هم بر هزینه نگهداری اروندرود اثر می‌گذارد و هم باعث تغییر خط تالوگ می‌گردد (نواری، ۱۳۹۷: ۲۲۹-۲۲۸). به علاوه، عدم تغذیه سفره‌های زیرزمینی، شوری و آلودگی لایه‌های آبدار زیرزمینی افزایش خواهد یافت، زیرا آب‌های شور خلیج فارس به دلیل کاهش حجم اروندرود به سمت بصره نفوذ خواهند کرد و کیفیت آب‌های این منطقه را کاهش خواهند داد. در نتیجه، مرگ و میر انواع جانوران از جمله ماهی‌ها افزایش خواهد یافت؛ تا جایی که از دهه ۱۹۹۰ تا کنون جمعیت ماهی‌های این منطقه به نصف کاهش یافته است. همچنین با کم شدن آب ورودی اروندرود به خلیج فارس غلظت نمک در خلیج فارس بالا می‌رود و با نابودی سواحل مرجانی و اکوسیستم با ارزش آن بسیاری از آبزیان از جمله آبزی صنعتی میگو و بسیاری از انواع ماهی‌های صنعتی امکان ادامه حیات در آب‌های خلیج فارس را نخواهند داشت (متقی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۰۳).

۲-۵. بحران کشاورزی و مواد غذایی در پایین دست

با کاهش آب‌های ورودی به عراق، بخش کشاورزی و دام‌پروری این کشورها نیز آسیب جدی دیده و واردات انواع مختلف مواد غذایی افزایش یافته است. پروژه گاپ و سد ایلیسو از ورود ۵۶ درصد منابع آب دجله به خاک عراق (و سوریه) جلوگیری کرده و باعث شده است که بیش از ۶/۵ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی این دو کشور دچار بحران شود، همچنین با کاهش حق‌آبه شرب عراق، باعث توسعه مناطق بیابانی در این کشور شده است (میان‌آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۶۳). موضوع بحران زیست‌محیطی و خشکسالی‌های عراق علاوه بر ایجاد کانون‌های ریزگرد، بر کیفیت زمین‌های کشاورزی این منطقه نیز تأثیر خواهد گذاشت و کاهش کیفیت محصولات کشاورزی و در نهایت خشکسالی دائمی را در پی



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۶. تجزیه و تحلیل روابط متغیرهای پژوهش از منظر نواقع‌گرایی: رفتار بازیگران در حوضه آبی

مشترک

پژوهشگران متعددی بیان کرده‌اند که در بررسی‌های امنیت بین‌المللی باید تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست و همچنین دسترسی به آب، به ویژه در منطقه خاورمیانه مورد توجه قرار گیرد. زیرا در خاورمیانه مسائل آب و موقعیت حوضه‌های آبی و رودخانه‌های منطقه، تنها بر روابط بازیگران اصلی خاورمیانه تأثیر نمی‌گذارند، بلکه بر ساختار امنیت جهانی نیز تأثیر می‌گذارند (Scoullas and Ferragina, 2010: 74). بر مبنای دیدگاه نواقع‌گرایان، از آنجا که سیاست‌ها و کنش‌های دولت‌ها در راستای تولید و افزایش قدرت خود است، می‌توان موضوع کنترل و مدیریت منابع آب را به عنوان ابزاری در دست دولت‌ها، در جهت کسب برتری در برابر رقیبان و تبدیل شدن به یک بازیگر هژمون، یک بازیگر دارای قدرت اثرگذاری و نظم‌ساز در نظر گرفت. این دیدگاه می‌تواند در تحلیل مسائل پیچیده حوضه آبی مشترک میان ترکیه و عراق و ایران مد نظر قرار گیرد، چرا که در نظام آنارشیک بین‌المللی و منطقه‌ای خاورمیانه، کنش‌ها و سیاست‌های آبی بالادست از سوی ترکیه عملاً می‌تواند امنیت برای خود و ناامنی برای دیگران ایجاد نماید؛ بنابراین بحران آب در منطقه، آغازگر تعارضات و تقابل‌های امنیتی-سیاسی خواهد بود.

۶-۱. استفاده از منابع آبی در جهت راهبرد منطقه‌ای

به طور طبیعی، هر کشوری در پی بیشینه‌سازی سود حاصل (برداشت) از منابع آبی در یک حوضه مشترک است. لذا در منطقه‌ای که آب دچار کمبود و بحران است، تعاملات بین دولت‌ها به صورت رقابتی بوده و برای دستیابی به حجم بیشتری از آب، رقابت ایجاد خواهد شد و حتی در مناطق پر آب، رقابت کشورها می‌تواند با هدف تولید بیشتر انرژی برق آبی، کنترل سیلاب و یا با هدف کنترل کیفیت آب باشد. بنابراین در یک حوضه آبی مشترک، بازیگر هژمون، کشوری است که کنترل‌کننده نحوه بهره‌برداری از منابع آب مشترک باشد. این کشور یا ذی‌مدخل، تعیین می‌کند که سایر ذی‌مدخلان و شرکا چه میزان، چه زمانی، چرا و چگونه از منابع آب مشترک می‌توانند بهره‌برداری کنند (قریشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۴). به دلیل اتخاذ مواضع انعطاف‌ناپذیر از سوی ترکیه و اعمال حاکمیت ملی بر آب‌های حوضه مشترک و اصرار بر عدم مذاکره پیرامون آنها و همچنین اتخاذ مواضع مبتنی بر بیشینه‌سازی قدرت خود



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نظیر گاپ و داپ، در جهت راهبرد هیدروهمژمونی گام بردارد. در واقع اجرایی کردن طرح‌های آبی و ساخت مگا پروژه‌های گاپ و داپ در ترکیه، عملاً هیدروپلیتیک مناطق پایین‌دست یعنی عراق و ایران (و سوریه) را متحول ساخته و مشکلات فزاینده‌ای را برای این بهره‌برداران ایجاد نموده و با ایجاد برتری نسبی در کنترل منابع آبی مشترک برای ترکیه، به تدریج سراسر مناطق پایین‌دست را متحول خواهد کرد. این موضوع می‌تواند سبب بر هم خوردن توازن قدرت به نفع ترکیه شود. بنابراین در اینجا فرضیه رقیب پژوهش را می‌توان رد کرد زیرا با سیاست‌های فوق‌الذکر، امکان همگرایی و همکاری میان ایران، ترکیه و عراق عملاً از بین می‌رود و منافع فردی کشور ترکیه در تقابل با منافع جمعی این دولت‌ها قرار گرفته است.

۶-۲. همکاری ایران و عراق: امکان شکل‌گیری توزان در برابر سیاست‌های آبی بالادست

از منظر دولت‌های پایین‌دست، سیاست‌های آبی ترکیه اگرچه منافع بسیاری برای آنکارا به همراه دارد، اما می‌تواند اثرات امنیتی و پیامدهای زیانباری بر مسائل وابسته به منابع آبی عراق و ایران (و سوریه) داشته باشد. بنابراین بر مبنای نوواقع‌گرایی می‌توان گفت از افزایش بیش از حد قدرت ترکیه و هیدروهمژمونی شدن این کشور در منطقه، از سوی عراق و ایران به عنوان تهدیدی مستقیم و جدی در نظر گرفته می‌شود و می‌توان انتظار داشت که عراق و ایران تا حد امکان بر خودیاری تأکید ورزند و در صورت فقدان زمینه‌های آن، به سمت همکاری در جهت موازنه‌سازی در مقابل سیاست‌های آبی ترکیه حرکت کنند. البته با توجه به بی‌ثباتی‌های داخلی عراق و ناتوانی در پیگیری منافع ملی، در کوتاه مدت امکان «دنباله‌روی» از سیاست‌های آبی ترکیه وجود دارد. اما در بلندمدت، عراق با وجود ضعف در قدرت ساختار سیاسی خود، به سمت دنباله‌روی از ترکیه حرکت نمی‌کند، زیرا این به معنی هم‌پیمانی با دولتی است که خودش چالش‌های آبی را برای عراق ایجاد کرده است. بر این اساس، می‌توان نزدیکی بیشتر و همکاری ایران و عراق در این زمینه را در نظر داشت. در این رابطه، علی‌رغم اختلافاتی تاریخی عراق و ایران در مسائل آبی و مرزی، این دو کشور در سال‌های اخیر به سمت فعال‌سازی مجدد «کمیته مشترک آب ایران و عراق» حرکت کرده‌اند و در جهت تقویت همکاری‌های مشترک در حوزه آب و انرژی، نشست‌ها و توافقاتی داشته‌اند. برای مثال، در حاشیه کنفرانس آب بغداد (۲۰۲۳)، وزارت منابع آبی عراق نیز از توافقاتی در زمینه برگزاری نشست فنی - تخصصی برای بررسی پرونده آب با ایران خبر داد (خبرگزاری ایسنا: ۱۴۰۲/۲/۱۸). این مقام عراقی، ترکیه را همچنین مقصر اصلی کم آبی کشورش خوانده و اعلام کرد است که بغداد برای حل مشکل کم آبی، پروژه‌های مشترک با ایران از جمله ساخت



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- اسدالهی، سروش، و ذکی، یاشار، (۱۳۹۹)، هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تأثیر آن بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه، فصلنامه آمایش سیاسی فضا دوره ۳، زمستان، شماره ۱، صص ۹-۱.
- اسدی، علی اکبر، (۱۳۸۹)، رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۲۲۳-۲۵۲.
- تقی‌لو، فرامرز، و خیری، مصطفی، (۱۳۹۹)، بحران سوریه و سیاست مقابله با ظهور کردستان (۲۰۲۰-۲۰۱۱)، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال نهم، شماره ۱، صص ۵۵-۸۴.
- جعفری‌ولدانی، اصغر، (۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: آوای نور.
- چگنی‌زاده، غلامعلی، و محمد آتاتمر، (۱۳۸۸)، تحركات قومی گُردها و امنیت ملی ترکیه، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۸۵-۲۱۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، طاهری، احمد، فرج‌زاده‌اصل، منوچهر و کرمی‌نژاد، حسین، (۱۳۹۶)، تأثیر عوامل سیاسی در تشدید پدیده گردوغبار در حوضه رودخانه‌ای دجله و فرات، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، ش ۴، صص ۸۵۷-۸۶۸.
- حمیدی، سمیه، و مزدخواه، احسان، (۱۴۰۱)، ترکیه و هیدروژئومون‌گرایی در خاورمیانه: راهبردی برای نظم‌سازی منطقه‌ای در ژئوپلیتیک بین‌النهرین، مطالعات سیاسی بین‌النهرین، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۹-۵۲.
- خبرگزاری ایسنا: ۱۴۰۲/۲/۱۸، قابل دسترسی در: <http://isna.ir/xdNPPN>
- خبرگزاری فارس: ۱۴۰۲/۴/۲، قابل دسترسی در: <http://fna.ir/3dgv0c>
- سرخیل، بهنام، (۱۴۰۰)، آب و راهبرد هیدروژئومون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۴۱، صص ۹۷-۱۲۵.
- طاهرخانی، سعیدرضا، (۱۴۰۱)، تحلیل هیدروپلیتیک پروژه آناتولی جنوب شرقی ترکیه (گاپ): نگاهی عمیق به تأثیرات سیاست آبی ترکیه بر عراق، ایران و سوریه، برگرفته از سایت ایران دیپلماسی.
- فرهادی، علی، (۱۳۹۹)، تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، نشریه امنیت ملی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۱۸۵-۲۱۶.
- قاسمی، فرهاد، (۱۳۹۱)، اصول روابط بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- قائم‌مقامی، سید علی، (۱۳۹۶)، بحران آب و آب‌های فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط‌زیست ایران، فصلنامه مطالعات منافع ملی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۹۷-۱۱۷.
- قریشی، زهرا، میان‌آبادی، حجت، و حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۹)، تحلیل ابعاد مأموریت هیدرولیکی در هیدروپلیتیک ترکیه، فصلنامه تحقیقات منابع آب ایران، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۳۰۴-۳۳۱.
- قوام، سیدعبدالعلی، و ایمانی، همت، (۱۳۹۱)، نظریه رئالیستی اتحاد در روابط بین‌الملل، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۰، صص ۳۷-۶۶.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



- Axelrad Cahan, J. (2017). *Water Security in the Middle East: Essays in Scientific and Social Cooperation*, published in UK and USA by ANTHEM PRESS.
- Bilgen, A. (2018). Turkey's Southeastern Anatolia Project (GAP): A qualitative review of the literature, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 47(7), p 652–671.
- David, M., and Passarelli, R. (2015). Conflict Basins: Powderkegs to Paecepipes, *SAIS Rev*, No 35, p 145- 157.
- Dinar, S. (2008). *International Water Treaties Negotiation and cooperation along transboundary rivers*, published by Routledge.
- Eckersley, R. (2012). *Global Environmental Politics*, In: Devetak, R, Burke, A, and George, J, 2012, 2nd Ed, *An Introduction to International Relations*, Cambridge University Press.
- Hayat, S and Gupta, J., Vegelin C., & Jamalialia, H., (2022). A review of hydro-hegemony and transboundary water governance, *Water Policy Vol 24*, No 11, p 1723-1740.
- Issa, I. E., Al-Ansari, N., Sherwany, G., & Knutsson, S. (2014). Expected future of water resources within Tigris–Euphrates rivers basin, Iraq. *Journal of Water Resource and Protection*, No 6 (5), p 421- 432.
- Julien, F. (2012). *Hydropolitics is What Societies Make of it (or Why we Need a Constructivist Approach to the Geopolitics of Water)*, *Sustainable Society*, 4(1), p 45- 71.
- Kehl, Jenny, R. (2011). *Hydropolitical Complexes and Asymmetrical Power: Conflict, Cooperation, and Governance of International River Systems*. *Journal of World-Systems Research*, 17(1), p 218- 235.
- Kibaroglu, A. (2017). *State-of-the-art Review of Transboundary Water Governance in the Euphrates–Tigris River Basin*, *International Journal of Water Resources Development*, 35(1): p 4- 29.
- Krzymowski, A. (2019). *Water as a weapon of war in the Tigris-Euphrates Basin*, *Przegląd Strategiczny*, No 9 (12), p 319- 334.
- Mahlakeng, MK. (2019), *A Theoretical Analysis of Hydropolitics*, *World Affairs: The Journal of International Issues*. Vol. 23, No. 4, p 36- 57.
- Mearsheimer, J. (2013). *Structural Realism*, (71- 88), In: Dunne, T, Kurki, M, and Smith, S, (3rd Ed), *International Relations Theories: Discipline and Diversity*, Oxford: Oxford University Press.
- Meijer, L. (2018). *The Southeastern Anatolia Project (GAP): water, counterinsurgency, and conflict*, *Course Food Security in International Politics: The Middle East and Africa*, sciences po, kumait program, p 1- 15.
- Mirumachi, Naho. (2015). *Transboundary Water Politics in the Developing World*, published by Routledge, Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.
- Salameh, E & Al-Ansari, N. (2021). *Deficient Developmental Planning Leading to Water Conflicts across Political Borders: The Way Forward*, *Article in Engineering*, p 158-172.
- Scoullous, M & Ferragina, E. (2010). *Environmental and Sustainable Development in the Mediterranean; The European Institute of the Mediterranean (IEMED) and the European Union Institute for Security Studies (EUISS)*: Paris, France; Volume 74, p 13- 51.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی